

عروس‌های جنگ

(جلد اول - کرمانشاه)

نویسنده: مهناز فتاحی



www.ketab.ir



فهرست نویسی پیش از انتشار - خانه کتاب - جمهوری اسلامی ایران

عروس های جنگ (جلد اول - کرمانشاه)

نویسنده: مهناز فتاحی

ویراستار: مریم سادات ذکریائی

چاپ اول: فروردین ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

طراح جلد: پروانه مؤمن زحمتکش

صفحه آرای: افسانه حسینی

نمونه خوان: خجسته مؤمن زحمتکش

شابک دوره: ۴-۸-۶۴۰۰-۶۰۰-۹۷۸

شابک جلد اول: ۷-۸۷-۶۴۰۰-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ است.

سرشناسه: فتاحی، مهناز، ۱۳۴۷-
عنوان و نام پدیدآور: عروس های جنگ / مهناز فتاحی. (ای) اداره کل حفظ
آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان کرمانشاه: و انتشارات ادب، ذکر بانی.
مشخصات نشر: تهران: نشر امینان، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ج.
شابک: ۷-۸۷-۶۴۰۰-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: فهرست نویسی براساس جلد اول، ۱۳۹۵.
یادداشت: نویسندگان هر جلد متفاوت است.
مندرجات: ج. ۱. کرمانشاه- ج. ۲. هرمزگان
موضوع: شهدان -- ایران -- همسران -- خاطرات
موضوع: شهدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات ۱۳۶۷ -- خاطرات --
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹
شناسه افزوده: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس. اداره کل حفظ آثار و
نشر ارزشهای دفاع مقدس استان کرمانشاه
رده بندی کنگره: ی. ۱۳۰۰ ق ۴۶۶۶/۱۶۲۸ DSR
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲
شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۹۸۸۳۳

نشانی ناشر: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان شهید
وحید نظری، پلاک ۶۵، طبقه سوم، واحد ۷ تلفن: ۶۶۴۰۷۶۶۱-۶۶۴۰۶۷۶۰۰
فکس: ۶۶۴۹۷۰۲۴-۴۱۹۸۸۳۳
nashreaminan@gmail.com

این اثر با کارشناسی مدیریت ادبیات و هنرهای نمایشی سازمان نشر آثار و ارزش های
مشارکت زنان در دفاع مقدس به چاپ رسیده است.

فهرست

شماره صفحه	عنوان
۷	پیشگفتار
۹	مقدمه نویسنده
۱۷	فصل اول: عروس شهید
۱۹	سهیلا فری
۶۷	زهره خدادادی
۹۹	اعظم قاضی
۱۲۹	زهره حدیدی
۱۵۹	عصمت امامی
۱۷۷	فصل دوم: عروس مققودالاثر
۱۷۹	فاطمه ماهیدشتی
۲۰۵	فصل سوم: عروس آزاده
۲۰۷	منیره نیکویی
۲۳۵	فهیمة رضایی

تاریخ دفاع مقدس سرشار از رشادت‌ها و شجاعت‌های زنان و مردانی است که در راه به ثمر رساندن ارزش‌های اسلامی و دفاع مقدس تلاش کرده‌اند. زنان دوشادوش مردان، صحنه‌های بی‌سیر را در هشت سال دفاع مقدس ثبت کردند که امروز برخی از این ماجراها باورنکردنی و عجیب به نظر می‌آیند.

از جمله بانوانی که در هشت سال دفاع مقدس صیهرانه مقاومت کردند و جنگیدند، نوجوان‌هایی بودند که در بدو از رنج و یا کمی پس از آن، همسران‌شان شهید شده یا به اسارت درآمدند. زنانی که صیهرانه ده‌ها و رنج‌ها را تحمل کردند و نامی از آنان به عنوان رزمنده ثبت نشد.

کتاب حاضر به این مسأله می‌پردازد. خانم فتاحی نویسنده‌ای است که سراغ این بانوان شجاع کشور رفته و به ثبت و ضبط خاطراتشان پرداخته است. کتاب فرنگیس ایشان که به ماجرای دلیری‌های فرنگیس، شیرزنی از خطه‌ی گیلانغرب می‌پردازد. این کتاب در خور توجه و تأمل می‌باشد.

هم اینک او به سراغ عروس‌های جنگ رفته و خاطرات این نوعروس‌ها را به ثبت رسانده است تا جنبه‌های دیگر دفاع مقدس که کمتر به آن پرداخته شده، مورد بررسی قرار گیرد.

موضوعاتی که به ارزش‌های اخلاقی جنگ و به جنبه‌های تازه‌ای از هشت سال دفاع مقدس از سوی زنان می‌پردازد و هم جذابیت دارند.

کتاب حاضر برای همه‌ی اقشار جامعه و به‌خصوص نسل جوان، کتابی ارزشمند است. باشد که نسل جوان سرزمین‌مان با گوشه‌ای از ناگفته‌های هشت سال دفاع مقدس آشنا شوند.

امید است نسبت به ادای دینی که به این افراد داریم، قدمی برداشته باشیم و رضایت خداوند را جلب نماییم.

در پایان لازم است از رحمت بی‌دریغ خانم خجسته مؤمن زحمت‌کش و خانم مهری یوشی که در این مسیر ما را یاری نمودند، تشکر و قدردانی نماییم.

پروین مؤمن زحمت‌کش

رئیسیت ادبیات و هنرهای نمایشی

سازمان نشر آثار و ارزش‌های مشارکت زنان در دفاع مقدس و

مشاور عالی فرهنگ در امور خانواده ندسا

مقدمه:

در نوجوانی و در روزگاری جنگ، عروس‌های جوانی را می‌دیدم که تنها مانده‌اند. دیدن این عروس‌ها، نوجوانی که تقریباً هم‌سن و سال خودم بودند، باعث می‌شد به فکر فرو بروم. تنها شدن این سن دشوار بود؛ این که لباس سفید عروسی بپوشی و خیلی زود همسرت برود و دیگر هرگز به خانه برنگردد یا اصلاً ندانی برمی‌گردد یا نه.

دختران محبوب و متینی که همسران‌شان را دوست داشته و زندگی عاشقانه‌ای با هم داشتند، اما همسران‌شان عشقی والاتر را انتخاب کردند و خود این عروس‌ها نیز در انتخاب عشقی بالاتر به آن‌ها کمک کردند. من از کودکی نوشتن را با خاطرات جنگ تجربه کردم. همیشه دلم می‌خواست داستان یکی از این عروس‌ها را بنویسم، اما هیچ‌وقت احساس فراهم نشد. آوارگی و بمب‌هایی که بر سرمان فرود می‌آمد، باعث می‌شد نوشتن را از یاد ببرم.

مادر من هم زنی جوان بود؛ زنی که همسرش را بسیار دوست داشت، اما او را در جنگ از دست داد و خیلی زود تنها شد. خودش مانده بود و هشت بچه که باید

آن‌ها را به دوش می‌کشید و از زیر بمباران‌ها نجات می‌داد. ما تنها مانده بودیم. هشت سال با بمب‌ها جنگیدیم تا زنده بمانیم. من زنده ماندم، تا از آن روزها بنویسم. من که عروس‌های نوجوان جنگ را فراموش نکرده بودم، امروز سراغ آن‌ها رفته‌ام.

جنگ تمام شد و من همان نوجوان خاطره نویس جنگ، نویسنده‌ی دفاع مقدس شدم. مدتی که گذشت، دیدم خاطرات این زنان از دست می‌رود و امروز فرصت نوشتن از عروس‌های جنگ را یافته‌ام.

به همیز شیر با خانم مؤمن زحمتکش عزیز که مدیریت ادبیات و هنرهای نمایشی سازمان نشر آثار و ارزش‌های مشارکت زنان در دفاع مقدس را به عهده داشت، صحبت کرد و ایشان به خوبی استقبال کرد و طرح را پذیرفت.

طرح به آن سازمان ارائه شد. با استقبال روبرو شد؛ به‌طوری‌که در تمام کشور اعلام و قرار شد بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس در تمام کشور به این کار اهتمام بورزد و کتاب خاطرات عروس‌های جنگ در کشور براساس طرح بنده نوشته شود.

ابتدا می‌خواستم تنها خاطرات یک عروس جنگ را در کتابی بیاورم، اما بهتر دیدم با نمونه‌های بیشتری از زیبایی صبر و عشق و رجاء و جانت روبرو بشویم. بنابراین تصمیم گرفتم، خاطرات چند نفر را در یک کتاب بچنجام. عروس‌هایی که عمر زندگی مشترک‌شان خیلی کوتاه باشد؛ کمتر از شش سال، بی‌کسری، همسران‌شان را خیلی زود از دست داده باشند.

حیفم آمد در این مجلد، فقط خاطرات نوعروس‌هایی که همسرانشان شهید شده، بیاید. بنابراین کتاب به سه بخش تقسیم شد و خاطرات نوعروس‌هایی که همسران‌شان مفقودالامر شده یا به اسارت درآمده بودند، نیز به آن اضافه گردید. عروسی که بلافاصله بعد از ازدواجش، ده سال در انتظار همسر مانده یا عروسی که هنوز منتظر بازگشت همسرش است.

فکر نمی‌کردم پیدا کردن عروس‌های جنگ، آن قدر سخت و دشوار باشد. به بنیاد شهید و امور ایثارگران و هر ارگان دیگری که مراجعه کردم، بانک اطلاعاتی خوبی در مورد شهیدانشان داشتند، ولی در مورد خانم‌ها، شهدایی که تازه ازدواج کرده و زود شهید شدند و این که کدام‌شان با همسران‌شان زندگی کوتاهی داشتند، اطلاعات اندک بود.

به ادارات و سازمان‌های متعددی مراجعه کردم، اما متأسفانه هیچ کدام پاسخگو نبودند. مفیده داشتند برای انجام این کار باید پژوهشی جامع صورت بگیرد تا نوعروس‌های بعضی شناسایی شوند. برخی از این نوعروس‌ها ازدواج کرده و برخی هم نه آن شهر و دیار رفته بودند. به همین دلیل مشکلات متعددی برای یافتن آنان سر راه بود.

کار تقریباً به بن بست رسیده بود که فکری به ذهنم رسید. این افراد در شهرهای بزرگ گم شده بودند، اما در شهرهای کوچکتر، مردم بهتر هم‌دیگر را می‌شناختند و می‌توانستند به من کمک کنند. این بود که به عنایت پروردگار، به لطف دوستان خوبی که در شهرستان‌ها داشتم و با کمک مردم و ادارات شهرستان‌ها افراد شناسایی شدند. بخش دشوار ماجرا مصاحبه با این افراد بود. نوعروس‌های جنگ به واسطه‌ی مشکلات متعدد از جمله ازدواج مجدد یا مشکلات حقوقی و دیگر مسائل، حاضر به گفتگو نبودند.

پس تلاش کردیم نوعروس‌هایی جستجو شوند که امکان گفتگو دارند. عروس‌هایی که ازدواج نکرده‌اند و یا اگر ازدواج مجدد کرده‌اند، مسائل خاصی برای مصاحبه نداشته باشند.

شهر به شهر به سراغ‌شان رفتیم. برای هر مصاحبه مجبور بودم، راهی طولانی را طی کنم، اما وقتی مصاحبه انجام می‌شد، متوجه می‌شدم که این حرکت، ارزش تحمل سختی‌ها را داشته است.

قسمت دشوارتر کار، پیدا کردن مستندات و منابع و عکس‌های مربوط به عروس‌ها بود. خانواده‌ی شهدا که عکس‌های شهیدشان را در اختیار ما قرار می‌دادند، اصرار داشتند با آن‌ها مصاحبه کنیم و ما توجیه می‌کردیم که قرار است این کتاب، کتاب همسران شهدا باشد.

از طرفی محل زندگی بیشتر خانواده‌های شهدا تغییر یافته و دسترسی به تصاویر دشوار بود. در این بین، اداره‌های بنیاد شهید و امور ایثارگران، همکاری خوبی داشتند و سعی می‌کردند با هماهنگی خانواده‌ی شهدا و یا تصاویر موجود در بنیاد به ما کمک کنند.

عصمت امامی یک از این نوعروس‌ها اشاره کرد: «تمام عکس‌هایشان در جنگ از دست رفته بود، برادر در مناطق مرزی زندگی می‌کردند و بارها خانه‌هایشان با خاک یکسان شده بود.»

در حین مصاحبه با عروس‌ها برادرهایشان گریه کردم. شنیدن داستان‌هایشان با آن بغض‌ها و گریه‌ها قلب‌های من را به درد می‌آورد. آن قدر گریه کرده بودم که صدایم تا چند هفته در نمی‌آمد. گاهی شب‌ها با به یاد آوری حرف‌هایشان از خواب می‌پریدم.

بعضی از آن‌ها از نگاه مردم، بد قدم، نحس و شوماب‌پیکری داشتند. آنان رنج بسیاری را متحمل شده بودند. شعری را در ابتدای کار آورده‌ام که خود بسیار دوست دارم و زبان حال آن‌هاست. به راستی که در کنار شهید شدن رزمندگان عزیزمان، آرزوها و رؤیاهای نوجوانی این عروس‌ها هم شهید شده‌اند. آن‌ها هم همراه همسران‌شان جنگیدند و شهید شدند.

قسمتی از خاطرات این عزیزان زیبا، اما گفتمانی نبود و این است که به یادگار و امانت نزد من می‌ماند. چه آن قدر تأثرانگیز است که قادر به بیانش نیستم.

من هنوز قلبم با ضجه‌های سهیلا، چشم انتظاری فاطمه، غم‌های زهرا، صبوری منیره و فهیمه، اشک‌های اعظم و بی‌گناهی عصمت می‌لرزد. من هنوز با این عروس‌ها می‌خندم و گریه می‌کنم.

در لحظه لحظه‌ی نوشتن این کتاب، شهدا با ما همراه بودند. وقتی از آن‌ها حرف می‌زدیم، حضورشان را حس می‌کردم که لبخند می‌زدند و از من به خاطر این‌که سراغ عروس‌هایشان رفته‌ام، تشکر می‌کردند. انگار به من می‌گفتند از این‌که به یاد عروس‌های ما بوده‌ای، خوشحال هستیم.

همه‌ی آن عروس‌ها آرزوی دارند که با همسران رزمنده‌شان در عالم عقبی زندگی جاودار داشته باشند.

آرزو دارم جوانان سرباز سرزمین من، داستان عشق جاودانه‌ی رزمندگان و همسران‌شان را بخوانند تا بدانند که سربازان مهربان و شجاع سرزمین‌مان با همسران‌شان چه لحظه‌های عظیمی را در تاریخ رقم زده‌اند. این کتاب بخشی از تاریخ افتخار آمیز سرزمین ماست.

کتاب حاضر را دوست دارم. کتابی که نوشتن آن یک سال طول کشید. کتاب عروس‌های جنگ، ماجرای شجاعت، مقاومت و عشق جوان‌های سرزمین من است؛ ماجرای دلدادگی و عهد و پیمانی خدایی. عروس‌های جنگ، ماجرای مبارزه‌ی رزمندگانی است که همسران‌شان نیز رزمنده بودند. این همسران‌شان را به جنگیدن، مقاومت و دفاع ترغیب می‌کردند. هرچند نبود مجبور بودند سخت‌ترین لحظات تنهایی را تجربه کنند. عروس‌های جنگ، مکاتیب دختران نجیب و صبور کرمانشاه و همه‌ی ایران است که وفاداری و ایستادگی را از کودکی می‌آموزند. به نظر من عروس‌های جنگ، قهرمانان سرزمین ما هستند و ما یاد و خاطره‌ی این قهرمانان گمنام را گرامی می‌داریم.

مهناز فتاحی

بهار سال ۱۳۹۵